

مدرسه‌ی دینداری

نگاهی به وظایف فعالان فرهنگی و نقش آنان در خانواده

چکیده:

در این نوشتار حجت الاسلام ماندگاری به سه مرحله‌ی رشد در مدرسه‌ی دینداری اشاره نموده است و پس از آن به تبیین این مسئله می‌پردازد که خانواده در معارف دینی غیر از آن چیزی است که عرف می‌پندارند؛ در نتیجه، کارکردهای آن نیز تفاوت شایانی با آنچه عرفاً از آن انتظار می‌رود پیدا می‌کند. بنابراین وظایف ما در این نهاد تغییر می‌یابد. در این راستا ایشان به تبیین نحوه‌ی برخورد صحیح در خانواده با تأکید بر جایگاه پدر و مادر می‌پردازند و در پایان نقش ارتباط خواهر و برادر را در این نهاد به تصویر می‌کشند.

کسانی که می‌خواهند در مسیر ولایت و دیانت تربیت شوند، حتماً باید سه مقطع رشد را بگذرانند. این نکته به عنوان مقدمه بود که البته بحثی نسبتاً طولانی می‌طلبد.

معرفت دینی، اولویت اول رشد فعال فرهنگی

قرآن می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ^۱» فهم و معرفت جامعه‌ی امروز ما اغلب از نوع غیردینی است. البته غیردینی با ضد دینی تفاوت دارد. به این معنی که ما راجع به موضوعات مختلف زندگی خود معرفت داریم اما این معرفت غیردینی است. تغذیه، پوشش، ازدواج و سایر موارد مانند ارتباط، هم معرفت دینی دارد هم معرفت غیردینی. کسانی که می‌خواهند در مدرسه‌ی دیانت و ولایت کار کنند، باید بدانند که اولین مرحله‌ی رشد آنان فهم

^۱ سوره مبارکه زمر آیه ۹

معرفت دینی است. باید فهم دینی را بشناسند و تفاوت آن را با معرفت غیردینی بدانند. در مکتب ما تفریح نیز فهم دینی دارد. امروزه در دنیا تفریح با غفلت توأم است اما در مکتب ما تفریح توأم با تمرین و رشد است. برای ترویج غفلت در دنیا برنامه‌ریزی می‌شود و متأسفانه صدا و سیمای ما هم از آن فرهنگ تبعیت می‌کند. با راه‌اندازی ۲۴ ساعته‌ی شبکه‌ی I film برای کسانی که خواستار به سر بردن در وادی غفلت هستند، زمینه فراهم است. گذراندن اوقات فراغت دینی این گونه معنی نمی‌شود. بدین ترتیب رشد فهم دینی اولین سطح رشد مربیان، متولیان و همه‌ی کسانی است که می‌خواهند مدیر یک جامعه‌ی ولایی شوند. به طور تقریبی حدود شش میلیون مدیر با فهم دینی بالا و قوی برای حکومت امام زمان علیه السلام لازم است. با ذکر فرمولی ساده مطلب روشن‌تر می‌شود. چنانچه رئیس جمهوری در مملکت عوض شود، تقریباً سیصد هزار مدیر ارشد عوض می‌شود. در حال حاضر بیش از دویست کشور در دنیا وجود دارد؛ چنانچه امام زمان علیه السلام بخواهند بیایند و دنیا را اداره کنند، با محاسبه‌ی تقریبی، شش میلیون مدیر توانمند و روشن مورد نیاز است. مدیرانی که بفهمند مدیریت، هم معرفت دینی دارد هم معرفت غیردینی. در حال حاضر اداره‌ی مملکت به صورت یک‌پارچه است و مرزهای استانی در کشور وجود ندارد. طبیعی است که برای اداره‌ی بخش‌های مختلف آن مدیران لایق لازم است. آیا یک چهارم، یک ششم یا یک دهم این تعداد، مدیر فهیم و توانمند مانند شهید چمران در عالم داریم که هم متعهد باشند، هم متخصص، هم شجاع و از طرفی ثروت، قدرت و شهرت، آنها را مست نکرده و تحت تأثیر قرار نداده باشد؟ اگر چنین تربیتی حاکم شد، می‌توان به ظهور امام زمان علیه السلام امیدوار بود. فزونی آمار زائران جمران از بیست میلیون به دو میلیارد هم دلیل امضای ظهور امام زمان علیه السلام از طرف خداوند نخواهد بود. خداوند کسانی را می‌خواهد که نسبت به موضوعات زندگی و حیات، معرفت دینی داشته باشند. آیا در حال حاضر مدیریت در جامعه‌ی ما بیشتر با فهم و معرفت دینی همراه است یا غیر دینی؟ دیدگاه افراد نسبت به مدیریت و پُست در جامعه چگونه است؟ آیا به

آن به عنوان یک مسئولیت نگاه می‌کنند یا یک امتیاز؟ با چه انگیزه‌ای همه به دنبال آن می‌دوند تا به آن برسند؟

سیاست نیز یک فهم دینی و یک فهم غیر دینی دارد. در جوامع کنونی کدام یک در حال رشد است؟ آخرین مدل سیاسی دنیا لیبرال دموکراسی بود که به بن بست رسیده و دوره‌ی آن پایان یافته است. از طرف دیگر مدیریت اقتصاد دنیا نیز به جهت اداره‌ی غیر دینی آن به بن بست رسیده است. مقرر است که امام زمان^{علیه‌السلام} با فهم دینی نسخه‌ی نجات بشریت را به آنها بدهد.

ویژگی‌های معرفت دینی

معرفت دینی سه ویژگی دارد که عبارتند از: مطابقت با فطرت، مطابقت با عقل و مطابقت با سعادت. خداوند از طرفی پدید آورنده‌ی دین است که آن را به عنوان آیین‌نامه برای بشریت قرار داده است و از طرف دیگر خالق فطرت، عقل و سعادت است. در نتیجه می‌توان گفت که خلقت این چهار مخلوق (پدیده‌ی دین، فطرت، عقل و سعادت) با هم تنظیم شده و در فطرت و ضمیر ما مکتوب است؛ به شرطی که هشیار باشیم. «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۲ در نتیجه افرادی که می‌خواهند در این مدرسه درس بخوانند و فعالیت داشته باشند، باید بدانند نوع معرفت‌آموزی آنان با سایرین متفاوت است. اغلب افراد به دنبال معرفت‌های محض عرفی، علمی و تجربی می‌باشند. به عنوان نمونه، دلیل کم‌رنگ شدن یا مشکل‌دار شدن مسئله‌ی ازدواج این است که دیدگاه مردم درباره‌ی ازدواج، علمی و ریاضی شده است و با محاسبه‌ی هزینه‌ها و دخل و خرج‌های امروز سازگار نمی‌باشد. روشن است که این معرفت، ظاهری و غیر دینی است. خداوند می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۳ معرفت دینی، ازدواج را مانع فقر و وسیله‌ی ثروتمند شدن معرفی می‌کند. معرفت دینی به دنبال اسباب باطنی و ظاهری است، اما هنر

^۲ سوره مبارکه روم آیه ۳۰

^۳ سوره مبارکه نور آیه ۳۲

معرفت‌های غیر دینی در نهایت، کشف اسباب ظاهری است. نمونه‌ی دیگر اینکه: در جنگیدن یک سری اسباب ظاهری داریم از قبیل: اسلحه‌ی سالم، تیراندازی دقیق و فضای آماده. اما این معرفت، ظاهری است. یک معرفت باطنی هم لازم است: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَا كِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ»^۴ به طور خلاصه، اولین پایه‌ی رشد کسانی که می‌خواهند در مدرسه‌ی دیانت و ولایت رشد پیدا کنند، وصول به رشد معرفت دینی و فهم تفاوت آن با معرفت‌های دیگر است.

رعایت دینی، رتبه‌ی دوم رشد فعالان فرهنگی

رعایت دینی رتبه‌ی دوم رشد کسانی است که می‌خواهند در این مدرسه کار کنند. در حال حاضر در جامعه‌ی ما حاکمیت با رعایت عرفی و رعایت علمی است. به عنوان نمونه امروزه در جامعه‌ی پزشکی ما، طرحی مثبت و مفید به نام پزشک خانواده برای جامعه در نظر گرفته شده است مبنی بر التزام عمومی نسبت به رعایت امور بهداشتی و پزشکی. جا داشت که در جامعه و خانواده‌ها تقاضای روحانی خانواده نیز وجود داشته باشد تا با استفاده از آن بتوانند رعایت دینی نمایند. رعایت دینی فراتر از همه‌ی رعایت‌های دیگر است. زیرا با رعایت پزشکی قوانینی را رعایت می‌کنیم که انسان وضع کرده، در حالی که در رعایت دینی قوانینی را رعایت می‌کنیم که از سوی خداوند مقرر گردیده است. در قرآن رعایت دینی تعبیر به تقوا شده است؛ به طوری که می‌فرماید: هر که رعایتش بیشتر باشد قریبش به خدا بیشتر است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ»^۵

مجاهدت دینی؛ رتبه‌ی سوم رشد فعالان فرهنگی

رتبه‌ی سوم رشد در مدرسه‌ی دیانت و ولایت، مجاهدت دینی است. البته در این زمینه مجاهدت عرفی هم داریم. مصداق و نمونه‌ای از مجاهدت عرفی، کنکور است که می‌تواند هم مجاهدت عرفی و هم دینی داشته باشد اما در حال حاضر مجاهده و مسابقه، بیشتر عرفی است.

^۴ سوره مبارکه انفال آیه ۱۷

^۵ سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳

حتی می‌توان گفت در انجام گناه نیز عده‌ای در حال مجاهدت هستند. فرد برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی‌اش تلاش و مجاهده‌ی عرفی می‌کند. گاهی وقت‌ها مجاهده‌ی او تلاش شیطانی است مانند رسیدن به دوستی از جنس مخالف. ناگفته نماند که مجاهدت علمی هم زیاد صورت می‌گیرد، به عنوان نمونه می‌توان به کنکور اشاره کرد. اما مجاهدت دینی ارزش دیگری دارد. مجاهدت دینی است که انسان را تبدیل به مصداق این آیه می‌کند: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا.» مجاهدت دینی انسان را به جایی می‌رساند که حاضر است از همه چیز بگذرد تا به خدا برسد.

معرفت دینی و خانواده

در بحث معرفت دینی و خانواده ابتدا می‌خواهیم ببینیم معنای خانواده چیست؟ از نگاه دین و در آیات قرآن، خانواده چگونه معنا شده است؟ هم‌اکنون در عرف، مفهوم خانه و خانواده چیست؟ قسمتی از این تعریف شامل افراد تشکیل دهنده‌ی آن می‌شود که عبارتند از: پدر، مادر و فرزند. اما بقیه‌ی این تعریف چیست؟ در جامعه‌ی ما خانه و خانواده مکانی است برای دور هم جمع شدن که این عده اغلب به دنبال تدارک خواب، خوراک، استراحت، پوشاک و ... می‌باشند. اما معنای آن در تعریف دینی، فراتر از این است. تعبیر دینی، در تعریف خانواده می‌گوید: «خانواده، اولین کانون تربیت دینی و تربیت اجتماعی انسان است. خانواده کانون جهت‌دهی به تمامی امیال و غرایز و خواسته‌های انسان، در مسیر تربیت دینی است. خانواده، مدرسه‌ی ولایت پذیری فرزندان است.» اینها تعابیری است که در روایات مشاهده می‌شود. به طور خلاصه مضمون آن تعاریف عبارت است از اینکه خانواده مهم‌ترین پایگاه تربیتی است. در اهداف تربیتی، نوعی هرم تربیتی داریم که در تعالیم اسلامی، اهداف تربیتی را بر اساس اهمیت، اولویت‌بندی می‌کنیم. نکته‌ی مهم این است که اصلی‌ترین هدف در نظام تربیتی اسلامی در یک جمله تقویت روحیه‌ی بندگی است، یعنی بنده‌ی خدا باشیم. پله‌ی دوم تقویت روحیه‌ی بندگی، تقویت روحیه‌ی ولایت-

^۶ سوره مبارکه نساء آیه ۹۵

پذیری دینی است. امام رضا علیه السلام مسیر بندگی را برای مردم تبیین می فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي ... بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»^۷ برای رسیدن به قلعه‌ی مستحکم توحید، مسیر، همان جاده‌ی ولایت است و بس. بنابراین دومین هدف، ولایت‌پذیری دینی است. نکته‌ی مهم دیگر اینکه در سلسله‌بندی اولویت‌ها، سومین هدف، تحکیم بنیان خانواده است.

هدف‌گذاری پنج‌گانه‌ی اسلام و دشمن برای خانواده

اسلام در خصوص خانواده در پنج موضوع، به موارد اساسی و عمیق تأکید کرده است. ۱- پیش‌نیازهای تشکیل خانواده (قبل از تشکیل خانواده) چیست؟ ۲- بحث ازدواج (به عنوان مدخل تشکیل خانواده) ۳- ارتباط در خانواده (ارتباط زن و شوهر، والدین و فرزندان و فرزندان با یکدیگر و فرزندان با والدین) ۴- بحث تربیت در خانواده (اینکه ساختار تربیت چگونه است) ۵- بحث محصولات خانواده. در معرفت دینی، در خصوص محصولات خانواده، به هیچ وجه از ثروت، قدرت و شهرت، حرفی به میان نیامده است. در باره‌ی محصولات خانواده، سه چیز مورد تأکید جدی است: ۱- ولد سالم ۲- علم نافع ۳- صدقه‌ی جاریه. این سه عنوان، محصول خانواده‌ی دینی است. روایت‌های بسیاری در خصوص بحث‌های خانواده در این پنج محور وارد شده است. دشمن نیز به اهمیت عناوین یاد شده پی برده و بیشترین تلاش خود را بر همین پنج محور بنا نهاده است. اصلی‌ترین عنصر قبل از تشکیل خانواده، طهارت می‌باشد که تدبیر دشمن این است که کاری کند قبل از تشکیل خانواده، جوانان به ادعای اینکه می‌خواهیم جوانی کنیم حتماً آلودگی اخلاقی پیدا کنند. اصلی‌ترین رمز ازدواج در دین اسلام، بحث هم کفو بودن است که امروز یکی از بزرگترین مشکلات ما این است که هم کفو بودن را به معنای ظاهری تعبیر کرده‌اند نه دینی، اعتقادی و خانوادگی. در بحث ارتباطات خانوادگی، «گذشت» زیباترین عنصر مطرح شده است و در فضای خانواده‌ی دینی جایی برای بحث انتقام نیست. همه‌ی تعالیم را با

^۷ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال/النص ۷/ثواب من قال لا إله إلا الله بشروطها/ص: ۶

محور گذشت می‌توان مطرح و سپس تثبیت کرد. در بحث تربیت، اصلی‌ترین مطلب، لقمه و شیر حلال است. دشمن روی اینها سرمایه‌گذاری کرده است. چنانچه لقمه‌ها شبهه‌دار شوند، آسیب اصلی وارد می‌شود، نطفه هم آلوده شده است و شیر هم فاسد می‌شود. در بحث محصول، اصلی‌ترین عنصر که دین مطرح می‌کند، تداوم محصول است. امروز شکل ظاهری محصول، خصوصاً در بین خانم‌ها اهمیت زیادی دارد. روزی آقای جوانی به من گفت: «پدرم نمی‌گذارد من تحصیلات حوزوی داشته باشم، می‌گوید برو دکتر شو.» گفتم برو این جمله را به پدرت بگو که آیا دوست داری دکتری بشوم که بیست سال یا سی سال طبابت کنم؟ یا دکتری بشوم که ۳۰۰۰ یا ۳۰۰۰۰ سال طبابت کنم؟ به پدرش گفته بود و او در پاسخ گفته بود: «که مسلم است اگر بتوانی دکتری بشوی که ۳۰۰۰۰ سال طبابت کنی مطلوب‌تر است.» گفتم برو به پدرت بگو شیخ مفید هم دکتر بود، هزار سال است که دارد طبابت می‌کند و هنوز هم مطبش تعطیل نشده است. در دین ما تداوم در محصول بسیار مهم است. در خصوص خانواده و کیفیت و تداوم ارتباطات درونی آن، ذکر چند شاخصه‌ی دینی ضروری است که عبارت است از ارتباط با والدین و ارتباط با خواهر و برادر. معرفت دینی و آموزه‌های آن می‌گوید اگر می‌خواهید مدافع اندیشه‌ی دینی، رفتار دینی و یک زندگی دینی در جامعه باشید، ابتدا باید از خودتان آغاز کنید. خداوند پیامبر را ابتدا نسبت به خودش و سپس نسبت به خانواده‌اش مأمور کرد و فرمود: «خانواده‌ات اولین هدف تو می‌باشد؛ وَ اَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْاَقْرَبِينَ^۸؛ قُوا اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْلِيكُمْ نَاراً^۹» اگر توانایی ارتقاء دینی خانواده‌ی خود را نداشته باشیم، هر توصیه‌ای هم که در جامعه داشته باشیم خواهند گفت: «اگر توانایی داری برو خانواده‌ات را اصلاح کن.»

جایگاه پدر و مادر در غرب

^۸ سوره مبارکه شعرا آیه ۲۱۴

^۹ سوره مبارکه تحریم آیه ۶

در معرفت‌های عرفی و غیردینی معنای پدر و مادر چیست؟ در معرفت‌های عرفی، پدر به
مثابه‌ی عابر بانک است. در صورتی که با رمز آن آشنایی داشته باشید، می‌توانید پول دریافت کنید؛
در غیر این صورت نیز می‌توانید با زور پول بگیرید. مادر نیز نقش خدمتکاری را دارد که پختن،
دوختن و شستن وظیفه‌ی اوست. با چنین تعبیری از پدر و مادر، چنانچه وضع مالی و ظاهری
آنان خوب باشد، مورد توجه قرار می‌گیرند اما در صورتی که بی‌پول، بیمار یا پیر و فرتوت باشند،
به آنان اهمیت چندانی داده نمی‌شود. خانه‌ی سالمندان پدیده‌ای غربی است که در فرهنگ دینی
جایگاهی ندارد. معرفت دینی، پدر و مادر پیر را تاج سر قرار داده و به فرزندان توصیه می‌کند که
با او همراهی کنند و با بی‌اعتنایی و رها کردن آنها با غم و غصه در گوشه‌ای، مخالف است. اما در
معرفت عرفی آنها را در خانه‌ی سالمندان می‌گذارند و با توجیهاتی نظیر اقتضای زندگی پیشرفته،
می‌خواهند که اعصابشان راحت باشد و مشکل نداشته باشند. آیا خداوند از زندگی پیشرفته و
پردردسر امروز بشریت خبر نداشته است؟ آیا روزی که پیامبر بنیان‌های معرفت دینی را تبلیغ و
ترویج می‌نمود از وضعیت جوامع آینده بی‌خبر بوده است؟ گفتنی است که بسیاری از دردسرهای
امروز جوامع، به جهت کنار گذاشتن آموزه‌های دینی است. خداوندی که خالق دنیاست و از ابتدا
و انتهای دنیا به خوبی آگاه است، می‌دانسته که بشر به کجا می‌رسد. در نتیجه آیین‌نامه‌ای صادر
کرده است که چنانچه این آیین‌نامه تا آخر عمر بشریت نیز رعایت شود همواره بهترین و آرامش-
بخش‌ترین زندگی را برای آنان فراهم آورده است.

سه ثمره‌ی ظهور

ظهور امام زمان علیه‌السلام برای مردم سه ارمغان به همراه خواهد داشت: امنیت، عدالت و
سعادت. امنیت و آرامش در آسایش و ثروتمندی نیست، بلکه در اتصال با خدا و بندگی اوست.
عدالت، در حق‌محوری است نه نفی‌محوری. در جهان امروز مبنای مکتب سرمایه‌داری، سود-
گرایی است هر چند که به قیمت له شدن سایرین باشد. عدالت، به معنای حق‌محوری است نه

سود محوری. مبنای سعادت نیز، دین محوری و ولایت محوری است نه خودمحوری و سلیقه-محوری.

جایگاه پدر و مادر در دین اسلام

در مکتب ما، به تعبیری پدر و مادر خدای کوچک خانواده هستند. خداوند در چندین جای قرآن پس از ذکر نام خود بلافاصله نام والدین را ذکر نموده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا^{۱۰}؛ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا^{۱۱}؛ أَنْ اشْكُرْ لِي وَبِالْوَالِدَيْنِ^{۱۲}». همه‌ی مردم باید بدانند هم‌چنان که هیچ وقت نمی‌توان حق خدا را ادا کرد، حق پدر و مادر را نیز نمی‌توان ادا کرد. حق پدر و مادر با چرتکه زدن ادا نمی‌شود. به عنوان نمونه حتی با رسیدن به تمکن مالی نیز نمی‌توان اجاره‌ی ایام بارداری مادر را پرداخت و گفت: «مادر! نه ماه باردار من بودی با هر قیمتی، من اجاره‌ی خانه را برایت حساب می‌کنم، مثلاً من نه ماه مستأجرت بودم اکنون ماهی صد میلیون تومان، یک میلیارد تومان به حساب شما می‌ریزم. دو سال به من شیر دادی، به هر قیمتی که شده حساب کنید و من پول آن را به شما می‌دهم.»

شخصی خدمت پیامبر رسید و گفت: «یا رسول الله مادرم را بر پشتم نهاده و پیاده به مکه بردم؛ آیا تسویه حساب شدیم؟» از آن جایی که این شخص با حساب و کتاب مادی و ظاهری محاسبه می‌نمود، پیغمبر نیز با همان زمینه بیان فرمود: «چند بار بردی؟» گفت: «یک بار» فرمود: «نوزده بار دیگر ببری می‌شود چند بار؟» گفت: «بیست بار» فرمودند: «بیست بار دیگر هم مادرت را بر روی کولت بگذاری (نه با هواپیما و وسایل دیگر) و به صورت پیاده به مکه ببری، باز هم نمی‌توانی زحمات یک شب مادرت را تسویه حساب کنی.» در فرهنگ دینی، پدر و مادر جانشینان

^{۱۰} سوره مبارکه اسراء آیه ۲۳

^{۱۱} سوره مبارکه انعام آیه ۱۵۱

^{۱۲} سوره مبارکه لقمان ۱۴

خداوند در خانه هستند، زیرا خداوند این گونه مقرر فرموده و آنان واسطه‌ی خلقت ما می‌باشند. آنان در هر شأن و رتبه‌ای باشند پدر و مادر هستند.

نقش دعای پدر و مادر

معرفت دینی می‌آموزد که پدر و مادر عابر بانک نیستند. آنها در هر حال که باشند دعای مستجاب هستند؛ زنده و مرده، پیر و جوان، ثروتمند و فقیر، بیمار و سالم؛ در صورتی که دعا کنند دعایشان رد نمی‌شود. در جوار حرم امام رضا علیه‌السلام جوانی نزد من آمد و گفت: «حاج آقا من با پدرم برخورد مناسبی نداشتم و می‌خواهم توبه کنم؛ برای جبران آن چه کنم؟» گفتم: باید بروی دست پدرت را ببوسی. گفت: «اصلاً» گفتم: پای پدرت را هم باید ببوسی. گفت: «عمرأ» گفتم: در عوض من یک میلیون تومان به شما می‌دهم. بلافاصله گفت: «حتمأ» گفتم: جوان! با شنیدن پیشنهاد یک میلیون تومان، نظر شما تغییر کرد و اصلاً و عمرأ را ترک کردی و گفתי حتمأ! چنانچه می‌دانستی در قبال بوسیدن دست پدر و مادر، خداوند چه پاداشی مقرر فرموده است، بی‌مهابا می‌رفتی و می‌بوسیدی. چنانچه از اثر دعای پدر و مادر مطلع بودی، دیدگاهت طور دیگری بود. حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد با قم به خصوص در گذشته بسیار متفاوت بوده است. طبعاً طلبه‌ی آن دو جا هم با هم متفاوت هستند. تفاوت حوزه‌ی قم و مشهد، مانند تفاوت دانشگاه تهران با دانشگاه‌های دیگر است. مقام معظم رهبری تمایل داشت در قم درس بخواند، به خصوص پس از رحلت آیت الله العظمی بروجردی، تمایل زیادی به استفاده از درس امام خمینی رحمه الله داشتند. پدر و مادر ایشان فرمودند: «آسید علی آقا شما همین‌جا بمانید و در مشهد درس بخوانید؛ ما دعا می‌کنیم آنچه خدا می‌خواهد در قم به شما بدهد بهتر و بیشترش را در مشهد عنایت کند.» با این دعای پدر و مادر، ایشان به قم نرفت و اساتید ایشان نیز به مشهد نیامدند، اما به برکت دعای پدر و مادر خداوند بالاتر از آن برکات را به این سید بزرگوار داد.

در فرهنگ و معرفت دینی، پدر و مادر یعنی خدای کوچک؛ به تعبیری جانشین خدا در خانه. بنابراین خداوند می‌فرماید: «اگر می‌خواهی مرا راضی و خشنود کنی، پدر و مادرت را

راضی و خشنود کن. چنانچه می خواهی حق مرا ادا کنی، حق پدر و مادرت را ادا کن.» هرچه را خداوند برای خود خواسته است فرموده که جانشین من پدر و مادر شماست. به او هم بگویی قبول است. مانند این است که من و کیلی بفرستم و بگویم شما بدهی خود را به ایشان هم بدهید قبول است. نتیجه اینکه اولاً پدر و مادر جانشینان خدا بر روی زمین هستند؛ ثانیاً آنان دعای مستجابند؛ ثالثاً پدر و مادر واسطه‌ی استغفار برای فرزندان هستند. فرزندان حضرت یعقوب چهل سال بر گناه خود مقاومت کرده و توبه نکردند اما زمانی که خواستند توبه کنند خداوند به دل آنان انداخت که بروید نزد پدرتان و بگویید «یا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا^{۱۳}» تا پدرتان برای شما توبه و استغفار کند. بنابراین همین آیه را در رابطه با امام زمان علیه السلام هم می گوئیم. به این دلیل که امام زمان هم برای مردم پدر بوده و دعای ایشان هم مستجاب است.

سه مصداق پدر و مادر

در دین ما سه مصداق برای پدر و مادر وجود دارد. اَبٌ وَاوَّلَادُ؛ آن پدر و مادری که واسطه‌ی خلقت افراد بشر هستند، اَبٌ زَوْجِکَ؛ پدر و مادر همسران، که متأسفانه امروز در جامعه‌ی ما به آنها به عنوان پدر و مادر نگاه نمی کنند و حتی گاهی وقتها به عنوان دشمن خونی نگاه می شود. اَبٌ عَلَمَکَ: آن پدر و مادری که به من و شما درس یاد دادند. اما نگاه افراد در جامعه به معلم دیدگاه نمره است. (چنانچه نمره بدهد هوایش را داریم، نمره ندهد، ماشینش را هم پنچر می کنیم.) اینها ظرایفی هستند که دین ما درباره‌ی آنها تأکید بسیاری دارد. مُبَلِّغٌ مَعَارِفٍ دینی، باید با تمام وجود مُبَلِّغٌ باشد.

وظایف ما نسبت به جایگاه پدر و مادر

در جایگاه فرزندی، در ارتباط با پدر و مادر سه وظیفه‌ی اساسی بر عهده‌ی ما گذاشته شده است. ادب و احترام، اطاعت، احسان و خدمت.

^{۱۳} سوره مبارکه یوسف آیه ۹۷

۱. ادب و احترام

در آیات قرآن و روایات اسلامی نسبت به رعایت ادب و احترام پدر و مادر، توصیه‌های بسیاری صورت گرفته است. قرآن می‌فرماید: «حتی زمانی که پدر و مادر شما را امر به شرک می‌کنند از آنها پیروی نکن، «فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا»^{۱۴} اما مواظب باش نسبت به آنها بی‌ادبی و بی‌احترامی نکنی. دو نمونه‌ی تاریخی می‌تواند بیانگر اهمیت این موضوع باشد. در جنگ‌هایی که در صدر اسلام اتفاق می‌افتاد برخی از اوقات پسر در سپاه پیغمبر بود و پدر در سپاه کفار قرار می‌گرفت. پیامبرگرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در جنگ‌ها، به خصوص در جنگ‌های تن به تن بخش‌نامه می‌دادند چنانچه کسی در مقابل پدرش قرار گرفت مواظب باشد که پدرش را نکشد؛ چرا که بقیه‌ی عمرش بی‌برکت می‌شود. بگذارید به دست کس دیگری کشته شود. در جنگ احد، این مسئله برای حنظله اتفاق افتاد. حنظله، خود در سپاه پیامبر بود. اما پیامبر گرامی اسلام به وی اجازه‌ی بی‌احترامی نسبت به پدر مشرک و پدر خانم منافقش را نداد. صرف مخالفت پدر و مادر با نظریه‌ی سیاسی ما، مجوز بی‌احترامی ما نسبت به آنها نمی‌باشد. گاهی از اوقات مخالفت آنها با نظر ما در منزل، سبب بی‌احترامی نسبت به آنان می‌شود و با توجیه روشنگری و تفهیم، از کنار آن می‌گذریم. با این برخوردها می‌خواهیم بگوئیم که ما تحصیل کرده- ایم و دارای بینش سیاسی می‌باشیم بنابراین وظیفه‌ی خود می‌دانیم که آنها را روشن کنیم. سؤال این است که آیا مراعات ادب و احترام، نسبت به پدر و مادر مطلق است یا مقید؟ بدون شک مطلق است. مطلق یعنی در قید حیات باشند یا نباشند، مسلمان یا کافر، خوش‌خلق یا بد اخلاق، حتی فاسق نیز باشند، از جهت مراعات نمودن ادب، یکسان می‌باشند. متوکل عباسی بسیار خبیث و دشمن اهل بیت و پسرش عاشق و شیعه‌ی امام هادی علیه‌السلام است. روزی پسر به نزد امام هادی علیه‌السلام آمده و به ایشان عرض کرد: «آقا جان پدر من به مادرتان زهرا جسارت کرد، حکمش چیست؟ امام هادی گریست و فرمود: حکم وی قتل است اما تو نکش. چنانچه تو او را بکشی، عمرت بی‌برکت می‌شود.

^{۱۴} سوره مبارکه لقمان آیه ۱۵

امروزه پدر وارد منزل می‌شود، پسر و دختر جوان خوابیده‌اند؛ به خود زحمت نمی‌دهند یک لحظه از جای خود برخیزند، سلام کنند و در مقابل پدر ادب و احترام را به جا آورند. چنانچه تمامی آموزه‌های تئوری و تعلیم و سخنرانی را هم بدانیم، اما این رموزها را ندانیم یا به کار نیندیم کاری از پیش نمی‌بریم. این فرموده‌ی خداوند است و اینها اسباب باطنی می‌باشند. در خصوص فواید و رعایت ادب و احترام روایت‌های بسیاری وارد شده است. نوع خطاب ما به پدر و مادر هم اهمیت دارد و باید توجه کنیم که با چه ادبیاتی با آنها گفتگو می‌کنیم. سعی کنیم از این کلمه‌ها بیشتر استفاده کنیم. «پدر، مادر، من کوچک شما هستم، من حق شما را ادا نکردم. پدر! من نیاز به دعای شما دارم، دوست دارم پیش شما باشم، دستانتان را ببوسم و ...»

بزرگ‌ترین مشاور عالم هستی، پیامبر بزرگوار اسلام صلوات‌الله‌علیه است. پیامبر اسلام از کسانی که در زندگی آنان مشکلات و گره‌های سخت پیش می‌آمد، اولین سؤالی که می‌فرمودند این بود که آیا پدر و مادر از شما راضی هستند یا نه؟ چنانچه می‌گفت نه، می‌فرمودند: «اول بروید و آن گره را باز کنید. تا آنان راضی نشوند، خداوند راضی نمی‌شود. مادری در زمان پیامبر بود که تا وقتی که از فرزندش راضی نشد، جوان در حال احتضارش نتوانست زبان به ذکر «لا اله الا الله» باز کند؛ پیامبر از امتیاز شفاعت خود استفاده کرده و به مادر فرمودند من تو را شفاعت می‌کنم تو نیز از فرزندت راضی شو. به محض رضایت مادر، زبان جوان باز شد و در لحظه‌ی مرگ گفت: «اشهد ان لا اله الا الله». اینها نرخ‌های خاص خدا و سنت‌های خداوند هستند. بی‌احترامی به پدر و مادر و بی‌احترامی به استاد، بی‌برکتی عمر را در پی خواهد داشت. در نتیجه لازم است چنانچه در این رابطه کوتاهی صورت گرفته باشد، حتی صورت بر کف پایشان بگذاریم.

اطاعت

یکی دیگر از وظایف ارتباطی ما نسبت به پدر و مادر، اطاعت است. جایگاه اطاعت از حیث اطلاق یا مقید بودن چگونه است؟ مسلماً مقید است. باید بدانیم که اطاعت از آنان در حوزه‌ی واجبات و محرمات، در صورتی که آنها خلاف امر الهی را بگویند، واجب نیست. مرجع

تقلید نه می‌تواند مستحب را واجب کند، نه می‌تواند مکروه را حرام کند، اما پدر و مادر می‌توانند. جوانی سؤال کرد که پدرم به این دلیل که به عنوان مثال، فلان امام جماعت را نمی‌پسندد می‌گوید به فلان مسجد نرو؛ تکلیف من چیست؟ گفتم چنانچه بروی، فعل حرام انجام داده‌ای نرو و به پدرت هم بگو به این دلیل نمی‌روم که دین من اینها را به من آموخته است. بنابراین باید ابتدا رعایت ادب و احترام را جدی بگیریم و پس از آن به اطاعت از پدر و مادر هم اهمیت دهیم. که این امر دو قید دارد: ۱- در حوزه‌ی واجبات و محرمات، پدر و مادر نمی‌توانند عکس فرمان الهی را بگویند و در این صورت اطاعت آنان واجب نیست. ۲- در حوزه‌ی مستحب و مکروه، پدر و مادر می‌توانند حکم را عوض کرده و مستحب را مکروه و واجب را حرام کنند. این قدرتی است که خداوند به این جانشینان خود عطا کرده است و این اجازه را حتی مرجع تقلید هم ندارد.

۲. احسان و خدمت

سومین وظیفه‌ی ارتباطی ما نسبت به پدر و مادر احسان، خدمت و نیکوکاری در حق آنان است که این نیز مطلق است. به این معنی که احسان ما نسبت به پدر و مادر، در حیات و ممات آنان نیز پایان نمی‌پذیرد. هر عمل خیری که انجام دهیم به طور اتوماتیک، خداوند برای آنها ثبت می‌کند. حتی در وادی گناه نیز هر گناهی که انجام دهیم، خداوند لرزه‌ای بر آنها نیز وارد می‌سازد، زیرا آنها هم تا حدودی در خیر و شر ما شریک هستند؛ البته در صورتی که مقصر بوده باشند. احسان به این نیست که ما همواره پدر و مادر را دل‌آزرده سازیم و بعد با تهیه‌ی هدیه‌ای در روز پدر یا روز مادر، به گمان خود جبران نماییم. حداقل احسان این است که در دیدار با آنان، همواره متبسم باشیم و به طور مستمر چه به وسیله‌ی پیامک و تلفن و چه با دیدار و احوالپرسی روزانه و بوسیدن دست پدر و مادر از آنان دلجویی کنیم. آه پدر و مادر به دنبال فرزند، بسیار دامن‌گیر است و فرزند و زندگی او را می‌سوزاند.

به جهت احوالپرسی از پدر و مادری پیر، به دیدار آنها رفته بودیم؛ می‌گفتند: «فرزندانمان هر هفته به تفریح می‌روند، اما یک بار هم به ما پدر و مادر پیر نگفته‌اند که بیاید شما را هم با

خودمان ببریم. چنانچه می‌گفتند هم نمی‌توانستیم و با آنها نمی‌رفتیم؛ اما یک‌بار هم به ما نگفتند.»
عجیب است که پدر و مادر هر چه پیرتر می‌شوند دل‌نازک‌تر و زودرنج‌تر می‌شوند و دامنه‌ی
انتظارات آنان گسترده‌تر می‌گردد. در روایت هم وارد شده هم‌چنان که بچه را با زبان، مدیریت
می‌کنید پدر و مادر پیر را هم با زبان مدیریت کنید. چاپلوسی در مکتب ما ممنوع است اما تنها
جایی که سفارش شده است و بلامانع می‌باشد، محضر به پدر و مادر است. هم‌چنین در محضر
خداوند که از جنس انسان نیست.

سه نکته‌ی کلیدی در ارتباط خواهر و برادر

نکته‌ی مهمی که در اینجا بیان آن ضروری می‌باشد این است که در ارتباط با خواهر و
برادر سه وظیفه‌ی مهم وجود دارد که با رعایت آنان بسیاری از ارتباطات ناپسند دخترها و پسرها
در جامعه تعطیل می‌شود. ارتباط دختر و پسر به جهت سه نیاز اساسی است: نیاز عاطفی، نیاز
شخصیتی، نیاز جنسی. نیاز جنسی فقط از طریق همسر است و هیچ جایگزین دیگری هم ندارد.
اما نیاز عاطفی و نیاز شخصیتی، در حوزه‌ی خانواده قابل تأمین است. با برادر می‌توان نیاز عاطفی
و نیاز شخصیتی را تأمین کرد، به شرطی که رابطه‌ی خواهر و برادر شامل سه ویژگی باشد: هم-
فکری، همدلی و همراه بودن. در دستورات دینی ما نسبت به هم‌فکری برادر و خواهر سفارش
شده چرا که با هم‌فکری، مشکلات پدر و مادر را نیز می‌توان حل کرد. «خواهر و برادری از بی-
نماز بودن پدر خود صحبت کردند؛ با آموزش یک صحنه‌ی تئاتر به آنان، قرار شد این تئاتر را در
منزل بازی کنند. این خواهر و برادر به وسیله‌ی هم‌فکری با یکدیگر توانستند پدر را نمازخوان
کنند.» اما در جامعه‌ی امروزی، هم‌فکری خواهر و برادر در منزل بسیار کم است. دوم اینکه با
یکدیگر همدلی داشته باشند. فکر و احساس‌ها را با هم همسو کنند. یکی از دلایل اُسوه و نمونه
بودن حضرت زینب و امام حسین علیه‌السلام، عامل همدلی و هم‌سوئی آنان است. امیرالمومنین علیه‌السلام
۳۹ فرزند داشت، اما یک خواهر و برادر این گونه با هم عاشق و معشوق هستند. سوم اینکه
برادرها و خواهرها فقط و فقط در قالب خانواده باید با یکدیگر همراهی داشته باشند.